

خلاصہ

۹۶۰
S

فاختہ ہیمالیا

○ شعر ہرمز علی پور

فاختہ ہیمالیا

علی پور، هرمز
فاخته هیمالیا / هرمز علی پور

مشهد: پاندا، ۱۳۸۳.

ISBN 964-8644-15-2 ۶۸ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. شعر فارسی - قرن ۱۳. الف. عنوان

۸۱۶۱/۶۲

PIR ۸۱۱۲/ل ۸۱۳۷ ص ۹

۱۳۸۳

۶۶۷۵۵ع

۴۳۴۶-۸۴ ا.ت

کتابخانه ملی ایران



انتشارات پاندا: مشهد - صندوق پستی: ۵۹۸۵-۹۱۳۷۵، تلفن: ۸۴۰۵۸۹۰ (۰۵۱۱)

• فاخته هیمالیا

○ هرمز علی پور

نوبت اول: ۱۳۸۴، ۶۸، رقعی.

چاپ: آستان قدس رضوی.

لیتوگرافی: شایان.

طرح جلد: داوود عسقرتی.

صفحه آرای: حسین خاضلی.

شمارگان: ۱۰۰۰ج.

قیمت: ۸۰۰ تومان.

شابک: ۹۶۴-۸۶۴۳-۱۵-۲

فاخته هیمالیا

فهرست

مقدمه.....	حرف اول.....
یک.....	۷.....
درنا.....	۱۲.....
بلوار.....	۱۶.....
باشگاه ایران.....	۲۰.....
صندلی.....	۲۴.....
ترکه انار.....	۲۷.....
علامت.....	۳۰.....
نهان.....	۳۴.....
نقطه.....	۳۷.....
مثلث.....	۴۱.....
هفت.....	۴۵.....
کارد.....	۴۷.....
خرگوش.....	۵۰.....
ماضی.....	۵۳.....
بر.....	۵۶.....
غایب.....	۵۹.....
بالش.....	۶۱.....
بخاری.....	۶۴.....

حرف اول

کلمات یک شعر به ظاهر به قرصی ی کوه هاینده جنبش آنها را تنها مخاطبان معدود ببینند. مخاطبانی که چون خود شاعران در گفته ها درنندیده ها یک دم آرامی ندارند. در همین جاست که دعوتی نهانی از المی به عالم دیگر صورت ببندد. دعوت وجهانی که دعوت کننده و شونده هر دو در کنار یا دور از هم گاه به رویت نشانه ای، در پریشانی به حیرت مشترک، مأمن یک دیگرند. انگار اما که هر دو به موعد و دنیای دیگری دل بسته اند، نگاه خود در آن ها در آمیزند. چیزی که شاعر واقعی ۱۰۰۰ سال پیش را به منزل های ما بیاورد ما را به زیارت اندوهی وارسته با تاریخ تولد هزار سال پیش و بعد می برد، البته که اثبات ارجمندی هستی یک شعر که بی مرگ است به گونه ای است که اثبات یک امر متافیزیکی که تنها به حس در بیاید. بعد.

گام های هر دوره ی تازه ای از شعر یا با مدعایی چنین، اگر در جهان شعری قبل از خود، که سیاره ای از لغت است، نگذارد؛ قوام و دوام آن به سهولت شکل پذیر نیست. تازه اگر قرار است از شکلی برخوردار باشد همان جا که دو انرژی جذب و فرار از مرکز، اگر نشود خنثای هم شوند، فرود اتفاق آسفتگی قطعی است.

این که جاذبه‌ی یک موضوع، نگاه ما را به سمت یا خود بکشاند، فرق دارد با این که چشمان خود را به جانب یک موضوع، با تمهیداتی جهت دهیم. در صورت نخست خود را مهیا می‌سازیم که فارغ از آن چه نالازم است با خود جان سبک‌بالی ببریم یا به عبارتی، جان و خیال و نگاه مان - ما را به سمت‌هایی می‌برد، که در آن‌ها یک رضایت خاطری چشم به ما دارد.

از جمله، هنر این چنین فعل‌هایی دارد. باز در میان هنرها، ما که عاشق تریم به شعر، در جوشش‌ها و کوشش‌ها مان، در عزیمت‌ها، چیزی را بجویم که تشریح آن، برای غیر، محال اگر ننماید، سخت اما هست. که تا در مندرجات دیگران به دور به نزدیک یا دیر و تازه مخو نشویم، با ریزش عرق از چهار سمت روح و جان، به درج خویش در پیوند لغت‌ها پرداخته، با این امید که کسانی را که با چشم سر نمی‌توانیم دید و ما را نتوانند دید با گفته‌های اکنون خویش مانوس بنگریم و مأثوف هم.

و من، به کاینات لغت فکر که می‌کنم به فکر کلماتی هستم که تا دست‌باده‌ها را بخوانند یا به رفاقت بپردازند، به ترک ما اقدام نکنند. و می‌دانند که ما کاری، حرفی به روی این هوا نداریم به قعر این زمین نداریم.

هرمز علی پور - اسفند ۸۳